

شکل و محتوای مذاکرات احتمالی



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

تویست آقای لاریجانی درباره «شکل‌گیری ساختار مذاکراتی» و سخن آقای عراقچی در ترکیه درخصوص مقدمات لازم «در مورد شکل، محل و موضوع گفت‌وگوها» حکایت از این دارد که مذاکراتی برای تدارک دور جدیدی از مذاکرات در جریان است. با توجه به سوابق و تجربیات ۲۲ساله، ملاحظاتی درباره «شکل، محل و موضوع گفت‌وگوها» به شرح زیر قابل ذکر است:

در مواقعی که اصل مذاکره با آمریکا پذیرفته شده، اغلب مستقیم یا غیرمستقیم‌بودن آن مسئله اصلی بوده است. بعد از بیش از سه دهه و پس از مذاکرات محدودی در سطوح عملیاتی راجع به عراق و افغانستان، ایران پذیرفت با آمریکا درباره مسائل هسته‌ای در ۱۳۹۱ در عمان مستقیما مذاکره کند. بعدا مذاکرات مستقیم برای انعقاد برجام انجام شد و تا پایان دولت اوباما ادامه یافت. با شروع به کار ترامپ، مذاکرات از هر نوع با دولت اول او متوقف شد و با وجود اصرار به مذاکره و واسطه‌تراشی‌های متعدد، مقامات ما نپذیرفتند که از مقامات آمریکایی بشنوند منظور ترامپ از «احای برجام» که دائما تکرار می‌کرد، چیست. در دولت بایدن، ما مذاکره غیرمستقیم را پذیرفتیم، اما توافقی که حاصل شده بود، در دولت مرحوم رئیسی نهایی نشد. دولت دوم ترامپ را نیز با تأکید بر عدم هرگونه مذاکره شروع کردیم، تا اینکه نهایتا به مذاکرات غیرمستقیم بهار ۴۰۴ رسیدیم. بدون تردید مذاکره‌نگردن یا غیرمستقیم مذاکره‌کردن در عرف دیپلماتیک معمول نیست و کشورها جز از طریق مذاکره مستقیم و معنادار نمی‌توانند از مواضع واقعی و نهایی یکدیگر مطلع شوند. بی‌شک، موضعی که به‌طور علنی ابراز می‌شود، ناظر به مخاطبان متعدد و تبلیغات و روابط‌عمومی است و نباید و نمی‌تواند مبنای کار دولت‌ها باشد. ضمن اینکه مخالفت یک طرف از مذاکره مستقیم را طرف مقابل به معنی توهین به خود تلقی می‌کند. مشکل اصلی مذاکره غیرمستقیم در بهار گذشته این بود که به خاطر بی‌توجهی به روان شناسی ترامپ، اساسا مذاکراتی محتوایی و معنادار نبود. ترامپ سیاست خارجی آمریکا را کاملا شخصی‌سازی کرده، شورای امنیت ملی را حذف کرده و تا حد زیادی حتی وزارت خارجه را نیز به حاشیه رانده است. او می‌خواهد خود شخصا حل‌کننده همه مسائل شناخته شود؛ بارها و بدون روند معمول تصمیم‌سازی در دولت‌های نرمال موضع می‌گیرد و خوشبخت شخصی املاک شک کار است. همه دنیا متوجه این امر هستند و تلاش همه دولت‌ها در تماس مستقیم با ترامپ و تطبیق خود با روش کار مطلوب او است. او اگر از طریق یک نماینده مذاکره کند، کار به تعیین یک موضع و الزام آن نماینده به تکرار آن محدود می‌شود و آن نماینده با توجه تلون مزاج ترامپ اغلب مجبور می‌شود مواضع خود را تغییر دهد و این می‌تواند پیامی باشد مبنی بر اینکه اگر طالب حل مشکلی، به شخص خودم مراجعه کن. انعکاس این واقعیت را ما قیلا در سفر نخست‌وزیر ژاپن به تهران با پیام ترامپ و دعوت از طریف برای ملاقات با او در کاخ سفید در خرداد و تیر ۱۳۹۸ دیدیم. حال، در مواجهه با چنین شخصی روشن است که مذاکره وزیر خارجه با نماینده او تنها به چانه‌زنی بیهوده بر سر غنی‌سازی تقلیل می‌یابد و اصرار طرفین بر موضع خود به چیزی جز جنگ نمی‌انجامد.

تضعیف اهرم‌های ایران در ۹ ماه گذشته و اعتراضات اخیر کار را مشکل‌تر کرده است و اگر این بار حق غنی‌سازی به‌عنوان یک امر حیثیتی و حتی نه خود غنی‌سازی، در دستور کار مذاکرات باشد، بعید است نتیجه‌ای حاصل شود. آقای عراقچی در چهارم مرداد گذشته گفت «اگر می‌پذیرفتیم غنی‌سازی را کنار بگذاریم، جنگ نمی‌شد» و «حال که برای آن جنگیده‌ایم، دیگر نمی‌توانیم گزارش بگذاریم». ایشان در جریان مذاکرات پهار، بیش از ۳۰ بار تأکید کرد که در صورت اصرار بر تعلیق غنی‌سازی توافقی در کار نخواهد بود. بسیار خب، اما ایشان باید به مردم خود و جامعه جهانی توضیحی قانع‌کننده دهد که در شرایطی که نیازی فوری به غنی‌سازی نداریم، چرا باید تا این حد، یعنی تا حد جنگ و احياناً تخریب زیرساخت‌های حیاتی در جنگ، بعدی، بر آن اصرار داشته باشیم. اگر این بار اصرار بر «حق غنی‌سازی» باشد، حداقل باید نظرات طرف مقابل راجع به همه موضوعات را مستقیما بشنوند و دلایل استواری بر مواضع خود را در هر مورد توضیح دهند. خط قرمز در نفس گفت‌وگو معمول نیست. اما در توافقات معمول است. طرف‌ها می‌توانند درباره هر موضوعی تبادل نظر کنند، اما در وقت توافق خط قرمزهای خود را داشته باشند.

۳۵۰

ادامه‌دار صفحه ۷

سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴
۱۴ شعبان ۱۴۴۷
۳ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۲۱
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

فرارسیدن ولادت حضرت قائم ^ع را تبریک می‌گویم

در «شرق» امروز می‌خوانید:
ابوظبی میزبان دور جدید مذاکرات اوکراین و روسیه •
جامعه پزشکی نگران است/بابک زمانی •
اصلاحات دیرهنگام و فروپاشی/ علیرضا حسینی

«شرق» تأثیر جراحی اقتصادی دولت‌ها بر سفره خانوار را با مطالعه موردی کالای لبنیات بازخوانی می‌کند

جراحی ناکام شیر

گزارش تیتربیک را در صفحه ۳ بخوانید

«شرق» از اصرار صداوسیمای برای خشمگین کردن مردم گزارش می‌دهد

سرولجاجت مقابل میلِ مخاطب



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

دیپلماسی اجباری آمریکا جواب می‌دهد؟



محسن شریف‌خدائی

تحلیلگر روابط بین‌الملل

جریان فکری نزدیک به او، انرژی را نه صرفا یک کالای اقتصادی، بلکه ابزار فشار ژئوپلیتیک می‌بیند. تشویق هند و چین به جایگزینی نفت ایران و روسیه با نفت ونزولا، فشار بر اروپا برای کاهش وابستگی به گاز روسیه و تلاش برای افزایش سهم تولیدکنندگان همسو با واشنگتن در بازار جهانی، همه در همین چارچوب قابل فهم است. در این نگاه، کنترل مسیرها و منابع انرژی، بخشی از معماری مهار رقیای راهبردی آمریکا-از ایران و روسیه گرفته تا چین- است.

اما این «سلاح انرژی» تا کجا می‌تواند کارآمد باشد و واکنش قدرت‌های جهانی چه خواهد بود؟ اگرچه هند و چین نمی‌خواهند در معرض تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار گیرند، اما تمایلی هم ندارند که به‌طور کامل در معماری فشار واشنگتن علیه تهران و مسکو ادغام شوند. آنها به‌خوبی می‌دانند که تنوع‌بخشی به منابع انرژی، بخشی از امنیت ملی‌شان است و وابستگی بیش از حد به مسیرهایی که واشنگتن تعیین می‌کند، قدرت چانه‌زنی‌شان را کاهش می‌دهد. اروپا نیز در موقعیتی دوگانه قرار دارد؛ از یک سو با آمریکا در بسیاری از پرونده‌ها همسو است و از سوی دیگر، از بی‌ثباتی بازار انرژی، افزایش قیمت‌ها و فشار بر صنایع خود آسیب می‌بیند.

در عین حال، آمریکا به‌طور موازی از زبان دیپلماسی نیز استفاده می‌کند؛ از یک سو تحریم‌های جدید، تهدید به فشار بیشتر و تلاش برای منزوی‌کردن ایران در بازار انرژی و از سوی دیگر، ارسال پیام‌هایی مبنی بر آمادگی برای مذاکره «بدون پیش‌شرط» یا در قالب‌های محدودتر، مثلا درباره پرونده هسته‌ای یا کاهش تنش منطقه‌ای. این دوگانه اگرچه متناقض به نظر می‌رسد، اما در منطق واشنگتن کاملا معنادار است.

نکته مهم این است که این سیاست چندلایه فقط به ایران محدود نمی‌شود، بلکه در سطحی وسیع‌تر، بخشی از تلاش آمریکا برای بازطراحی نقشه انرژی جهان نیز هست. اما این راهبرد چندانکه در قبال ایران، در عین حال با ریسک‌هایی جدی همراه است. هرچه حلقه فشار اقتصادی و دریایی تنگ‌تر شود، احتمال واکنش نامتقارن از سوی تهران افزایش می‌یابد؛ از فشار بر کشتیرانی در منطقه گرفته تا استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای. در چنین فضایی، یک اشتباه محاسباتی یا یک درگیری کنترل‌نشده می‌تواند به‌سرعت از سطح تاکتیکی به سطح راهبردی جهش کند و منطقه را به آستانه درگیری گسترده‌تر بکشاند.

بقایی:

برای مذاکره در مرحله تصمیم‌گیری هستیم

۲

برگزیده‌ها

گزارش میدانی «شرق» از شلوغی مقابل اداره کار پس از حذف سراسری پرونده‌های ثبت‌شده در سامانه جامع روابط کار

حذف داده‌ها و بلا تکلیفی هزاران پرونده

گزارش «شرق» از دستور پزشکبان برای آغاز مذاکرات و ابهام در مسیر پیش رو

گرگ و میش مذاکرات

گزارشی از فیلترینگ بی‌سابقه و «اختلال هوشمند» در شبکه ارتباطی ایران

اتصال فرسایشی

قطع شریان‌های حیاتی اقتصاد کوبا و تشدید احتمال فروپاشی و زنگ خطر بحران انسانی

هاوانا در تاریکی

ظهور «رژیم جهانی جنگی» و استراتژی اترتاسیونالیسم جدید

جنگ بی‌پایان

۷

نگاه

انحلال روشنفکری

یادداشتی از علی‌اصغر سیدآبادی

۸

یادداشت

اقتصاد ایران و درد اقتصاددانان



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

«درد من اقتصاد ایران است. برای من بسیار دردناک و زجرآور است که می‌شنوم کسی از درد فقر خودش و خانواده‌اش را کشته است یا بی‌شمار افرادی که این روزها شرایط سختی برای زندگی دارند...»

دکتر مسعود نیلی

کام بسیاری از اقتصاددانان میهن‌مان این روزها مانند سایر هم‌وطنان بسیار تلخ است؛ تلخی دوجندان شاید. چرا؟ چاره این تلخی چیست؟! ۱- روزی روزگاری، در همان سال‌هایی‌که امروز بخشی از جامعه خواهان بازگشت به آن هستند و متأسفانه مدینه فاضله‌ای از آن دوران ساخته شده است. گروهی از مهم‌ترین روشنفکران کشور از طیف‌های مختلف فکری (و نه صرفا چپ؛ هرچند گرایش غالب نه‌فقط در ایران بلکه در روشنفکری جهان، اندیشه چپ بود که این روزها جرم تلقی می‌شود!) در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت نوشتند: «آقای نخست‌وزیر؛ رشد اجتماعی و اقتصادی هرگز به‌تنهایی با افزایش ارقام و آمار مربوط به افزایش درآمد ملی از راه فروش و صدور منابع طبیعی کشور و افزایش درآمد سرانه همراه با یک نظام نامتعادل توزیع درآمد توجیه نمی‌شود و با رشد خلافت‌پر فکری و توسعه بنیادهای فرهنگی و گسترش فعالیت‌های علمی و ادبی و هنری رابطه مستقیم دارد. توسعه در درجه اول یک پدیده اجتماعی و فرهنگی است که گسترش صنایع و تراکم بی‌پندوبار شهرها از راه مهاجرت روستاییان و ترویج اقتصاد دلالی جای آن را نمی‌گیرد... اگر بنا باشد که ما به‌عنوان ملت‌ی آزاد و سربلند و متکی به کار و فرهنگ خویش در جهان بمانیم... ناچاریم قدمی پیش نهم و با کار فکری و خلاق خود با تمام گروه‌های اجتماعی کشور ارتباطی سالم و اصیل برقرار کنیم» (اولین نامه سرگشاده کانون نویسندگان ایران به عباس هویدا نخست‌وزیر – ۱۳۵۶/۲/۲۳ – کتاب «اصلاح یا انقلاب» - محمدحسین خسروپناه).

۳۵۰

ادامه‌دار صفحه ۴

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شتر

سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ • ۱۴ شعبان ۱۴۴۷ • ۳ فوریه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۸۰۵۳۲۱ • صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۳ • اذان صبح فردا ۵:۳۷ • طلوع آفتاب ۷:۰۲

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

انحلال روشنفکری

در دفاع از تنوع صداها و استقلال فردی



علی اصغر سیدآبادی

حکم‌های قطعی دوگانه‌ساز همچون سلاحی کارآمد برای حذف صداهای مستقل استفاده می‌کند.

در چنین وضعیتی، شجاعانه‌ترین کار پاسداری از تکرر و تنوع است و ایستادگی در برابر تک‌صدایی؛ حتی اگر همه در موج بزرگ افتاده باشند و خود را حقیقت مطلق ببینارند. هیچ بهانه‌ای، هیچ وضعیتی فوق‌العاده‌ای، هیچ موقعیتی خطیری و هیچ «برهه حساسی» نمی‌تواند خاموش‌کردن صداهای گوناگون را توجیه کند. جامعه‌ای که در آن فقط یک صدا مجاز است، نه‌تنها به انسداد سیاسی گرفتار خواهد شد بلکه به فقر فکری و اخلاقی نیز دچار خواهد شد.

ما یک بار آزموده‌ایم در این ورطه بخت خویش را؛ هر رنگ‌شدن با جماعت و پیامدهایش را دیده‌ایم.

آکادمی

جامعه پزشکی نگران است



بابک زمانی

نورولوژیست

موج می‌زد که به شکل «تکنگاهراسی اجتماعی» درآمده بود. جامعه پزشکی از ایفای وظایف اجتماعی‌اش که بسیار فراتر از به انتظار بیمار نشستن است، بازماند. پزشکان در چنین بحرانی وظیفه داشتند در قالب تیم‌های داوطلب در کف خیابان به یاری خیل مصدومان بپردازند. پزشکان در کنار حداقل چند هزار کشته –که عدد بسیار بالایی را شامل می‌شوند– قرار گرفتند. مصدومانی از هر طرف و با هر عقیده سیاسی که قطعاً یافتن و انتقال هرچه سریع‌تر ایشان باعث درمان‌هایی مؤثرتر شده و از آمار مرگ‌ومیر می‌کاست.

در زمان جنگ عراق با ایران، ما در قالب شبکه‌ای منسجم و داوطلب تا خط مقدم جبهه حضور دائمی داشتیم، بیمارستان‌ها و اتاق عمل‌های صحرایی درست کردیم و تحت هدایت استادان بزرگی مانند دکتر «ایرج فاضل» از به‌روزترین روش‌های درمان مجروحان سود می‌بردیم. گاه احساس می‌کردیم تنها حضورمان بدون آنکه کار چندانی از دست‌مان برآید، روحیه رزمندگان

۴ میلیون تومان

دفتر سخنگوی دولت با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «تاکنون هیچ‌گونه تصمیم یا مصوبه‌ای درباره واریز کالابرگ چهار میلیون تومانی ویژه ماه مبارک رمضان اتخاذ نشده و اخبار منتشرشده در این زمینه فاقد اعتبار است».

در این اطلاعیه تاکید شده است اطلاع‌رسانی درباره سیاست‌های حمایتی و معیشتی دولت صرفاً از طریق مراجع رسمی و رسانه‌های معتبر انجام می‌شود و شهروندان باید از توجه به شایعات و اخبار غیررسمی در فضای مجازی پرهیز کنند.

این تذکبیه برای این صادر شد که صبح دیروز در رسانه‌ها خبر آمده بود که با توجه به در پیش بودن ماه مبارک رمضان، دولت در نظر دارد مبلغ چهار میلیون تومان اعتبار کالابری برای همه دهک‌های درآمدی شارژ کند؛ اقدامی که می‌تواند در تامین اقلام ضروری و مایحتاج مورد نیاز خانوارها و حفظ قدرت خرید آنها در ماه رمضان اثرگذار باشد.

جامعه پزشکی ایران به‌عنوان یک تن واحد در جریان وقایع اجتماعی اخیر به‌شدت احساس نگرانی می‌کند. اضطراب و هراسی که به دلایل مختلف در رگ جامعه جریان دارد، در جامعه پزشکی ابعادی وسیع‌تر می‌یابد. این گسترش به این دلیل واضح و آشکار است که جامعه پزشکی خود را مسئول حفاظت مردم، مجروحان و آسیب‌دیدگان می‌داند و به حفاظت از خود و همکارانش هم از این زاویه می‌نگرد. یک پزشک برای همه اینها سوگند خورده و سال‌هاست که با وجود نامایمات فراوان به این کار مشغول است. هرگز نمی‌توان رعایت‌نشدن حریم مراکز درمانی، برخورد با جامعه پزشکی و نبود احساس امنیت بیماران و مصدومان در مراجعه به مراکز درمانی را به‌طور مطلق انکار کرد، اما دلایل اضطراب و هراس جامعه پزشکی و پزشکان بسیار فراتر از اینهاست. این روند به صورت رفتاری شرطی و اجتنابی درآمده است و تکنبایی وانفسا در بین دو نگاه یک‌سویه و افراطی پدید آمده که بر «دکورت اوضاع» و «پانیک عمومی» می‌افزاید. از یک سو «صداوسیما» و از یک سو «ایران‌اینترنشنال» درحالی‌که حداقل ارتباط ساده بین اقفراد تا همین اواخر به‌شدت محدود بود و کسی نمی‌توانست از طریق فضای مجازی با دوستان و همکاران خود هم ارتباط داشته باشد و از آنچه در مراکز ایشان می‌گذرد، خبر بگیرد، تنها با فشار یک دکمه کانال‌های متعدد بی‌روح و یکنواخت رسانه ملی و کانال‌های ماهواره‌ای خارج از کشور به‌راحتی در دسترس بودند. با محتوا و صحبت‌هایی ۱۸۰ درجه متفاوت اما با روشی یکسان روح را می‌ساییدند. نهایتاً در انبوهی از اخبار گوناگون نوعی بی‌خبری



روز جهانی تالاب‌ها سالانه در دوم فوریه برگزار می‌شود. هدف از برگزاری روز جهانی تالاب‌ها افزایش آگاهی جهانی درباره نقش حیاتی تالاب‌ها برای مردم و سیاره است. این روز در دوم فوریه ۱۹۷۱ در شهر رامسر ایران و در کنواسیون رامسر به امضا رسید. آنچه آینده این تالاب‌ها را تعیین می‌کند، نه صرفاً میزان بارش، بلکه بازنگری در حکمرانی آب، بازگرداندن حقایقه‌های طبیعی و پذیرش این واقعیت است که تالاب‌ها هزینه اضافی توسعه نیستند، شرط بقای آن هستند. عکس: نئگن نصربانی، ایسا

تحلیل خوانی

هلهله و پایکوبی در سوگواری‌ها نشانه چیست؟

این روزها شاهدیم که گروه‌هایی از خانواده جان‌باختگان اعتراضات، از سبک و سیاق دیگری برای ابراز سوگشان استفاده می‌کنند، مانند هلهله‌کردن، دست‌افشانی و پایکوبی و اجرای رقص‌های محلی. خبرگزاری ایلنا با «احسان هوشمند»، پژوهشگر حوزه اقوام، در این‌باره گفت‌وگو کرده است که در ادامه به بخش‌هایی

از آن می‌پردازیم. او می‌گوید: «سبکی از سوگواری در تاریخ ایران وجود دارد که در شرایط کشته‌شدن جوانان در جنگ ولو جنگ‌های طایفه‌ای با سوانح طبیعی و تصادف استفاده می‌شود. این سیاق از آیین سوگواری، شکلی حماسی دارد که طی آن برای تاکید بر هویت جمعی مشترک، پیوندهای جمعی و همچنین برای یادآوری این موضوع که همه مردم در کنار هم و در شرایطی خاص هستند، از ساز و برگی خاص استفاده می‌شود. اما در شرایط حاضر در حقیقت این شیوه از ابراز سوگ بیشتر رنگ‌وبویی سیاسی و اعتراضی داشته و نشان‌دهنده تفاوت و جداشدن از روش‌های رسمی و جاری است. در حال حاضر هم با توجه به اینکه درگیر یک فاجعه ملی و جان‌باختن هزاران نفر از جوانان هستیم، چنین زمان‌هایی یادآوری می‌شود». او یادآوری می‌کند که به شکل سنتی در میان عشایر یا برخی از مناطق کشور، یک شیوه از برگزاری مراسم سوگواری به ازدست‌دادن عزیزان طی یک ریاورنی اشاره می‌کند: «این آیین به‌ویژه دربراره جان‌باختگانی برگزار می‌شود که جوان و در اصطلاح عامیانه ناکام از جهان رفته‌اند، یعنی ازدواج نکرده‌اند. وقتی جان‌باخته در چنین شرایطی از دنیا می‌رود، خانواده داغ‌دیده نیاز بیشتری به همدلی و همبستگی جمعی می‌یابد و

مثلاً صدای دهل و سرنا موجب آگاهی و اطلاع‌رسانی و همراهی دیگران در یک سوگ جمعی می‌شود، به همین دلیل هم خانواده به اجرای آیین‌هایی مانند دهل‌زنی و شبیه آن روی می‌آورد. این مناسک بیشتر در جوامع عشایری و شهرهای کوچکی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که همچنان سنت‌های عشایری در آنها قوی است، بسیاری از عشایر لر، کرد، لک و بختیاری همچنان تا حدودی برای سوگواری از این شیوه‌ها استفاده می‌کنند». این جامعه‌شناس درباره کشیده‌شدن این نوع سوگواری به فضای شهری در بزنگاه‌های اعتراضی و پیام این رفتار نیز می‌گوید: «از اعتراضات ۱۳۹۸ به بعد اجرای این نوع آیین سوگواری در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ دارای این پیام خاص است که خانواده جان‌باخته، عزیز ازدست‌رفته و خودشان را قربانی می‌دانند. در این نگاه اجرای مناسک عزاداری سنتی و مؤلفه‌های خاص آن مانند مکان برگزاری مراسم و نحوه سوگواری بیشتر با فضای رسمی همخوانی دارد تا شرایط خانواده سوگوار، به همین دلیل هم خانواده‌ها سعی می‌کند با اجرای شیوه‌ای دیگر یا بهره‌گیری از برخی سنت‌های تاریخی و البته نوآوری‌هایی در اجرای مناسک، خود را از جو رسمی و روایت رسمی متمایز کند. این پژوهشگر حوزه اقوام اضافه می‌کند: «این شیوه از برگزاری آیین سوگواری توسط خانواده جان‌باختگان را می‌توان تا حدودی به معنای استفاده از سنت‌های حماسی، رزم‌نامه‌ها و داستان‌های شاهنامه به منظور بدرفه جان‌باخته به شیوه‌ای حماسی دانست، هرچند در شاهنامه در بخش سوگواری‌های بیژن یا اسفندیار و دیگران به لباس کبود و مشکی پوشیدن و به خاک بر سر کردن و مویه‌کردن و کندن موی و بریدن موی سر زنان اشاره شده است». هوشمند به سوگواری اعتراضی نوین هم اشاره می‌کند: «در سوگ ازدست‌رفتن چند

هزار نفر از هم‌وطنان در جای‌جای ایران در حوادث دی‌ماه، سبک‌های جدیدی از عزاداری در حال شکل‌گیری و رواج است که جان‌مایه آن خشم است. یعنی در عزاداری مربوط به وقایع هولناک اخیر، شیوه‌هایی از عزاداری را شاهدیم که سابقه تاریخی چندانی ندارند که می‌توان از آن به‌عنوان سوگواری اعتراضی نوین یاد کرد که در واقع ادامه اعتراضات است». این جامعه‌شناس رفتارهایی مانند دست‌زدن، سما و پایکوبی در سوگواری‌های نوین را انعکاسی از ناراضیاتی و اعتراضی می‌داند که در خیابان‌ها هم شاهد آن بودیم: پایکوبی در آیین سوگواری جان‌باختگان برای به نمایش گذاشتن دردیت و شادی نیست، بلکه نشان‌دهنده همبستگی جمعی، جان‌فدایی وطن و البته استمرار زندگی است. او با اشاره به اینکه هم‌آوایی جمعی برای خواندن سرود «ای ایران ای مرز پرگهر» در سوگواری‌های مناطق شهری هم رو به افزایش می‌است، توضیح می‌دهد: «به نظر می‌رسد این سرود به شکلی گسترده در حال تبدیل‌شدن به هویت جریان معترض است».

۲ درصد

این روزها گرفتن پول نقد از بانک‌ها و عابربانک‌ها تبدیل به کاری ناممکن شده است. هم عابربانک‌ها و هم بانک‌ها محدودیت برداشت داشتند. مدیران شعب دلیل تعیین ارقام محدود در برداشت پول نقد از حساب افراد را افزایش تقاضا برای برداشت اعلام می‌کنند و می‌گویند برای برداشت پول نقد از حساب بانکی افراد و همچنین بازگرداری اسکناس می‌شود. پزشکان به‌عنوان یکی تعیین شده است که به دلیل افزایش تعداد مراجعات و درخواست‌ها این سقف روزانه برداشت، تکمیل می‌شود. پس از توزیع اسکناس ۵۰۰ هزار تومانی در شعب بانک‌های سراسر کشور قرار است برای پرداخت‌های نقدی در پشت باجه استفاده شود و از اسکناس‌های ۲۰۰ هزار تومانی و سایر قطعات اسکناس برای پرداخت از طریق دستگاه‌های خودپرداز استفاده می‌شود. نسبت اسکناس و مسکوک به نقدینگی در ایران هم‌اکنون دو درصد است و این نسبت در کشورهای مختلف با اندکی تفاوت در همین میانگین است.

۴.۵ میلیون تومان

رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی استان تهران، با اشاره به مبلغ عیدی بازنشستگان گفت: «مبلغ پایه عیدی بازنشستگان چهارمیلیون و ۵۰۰ هزار تومان است که در صورت دارا بودن همسر، یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و به ازای هر فرزند تحت پوشش نیز ۵۰۰ هزار تومان به این مبلغ اضافه می‌شود».

پیش از این نیز مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، اعلام کرده بود عیدی بازنشستگان از محل سود سهام سازمان در شستا مربوط به این دوره مالی تأمین و تلاش می‌شود که در نیمه دوم بهمن پرداخت شود. این رقم براساس مبلغی است که دولت مصوب کرده است.

این رقم اندک اختصاص‌یافته به بازنشستگان برای عیدی به نظر می‌رسد در این شرایط پرشش‌های متعددی را مطرح کرده است. هرچند در برخی خبرها اعلام شده که مبلغ پایه عیدی سال ۱۴۰۵ در مقایسه با سال گذشته حدود ۵۰ درصد افزایش یافته است.

دادستانی علیه مجری و مدیر شبکه اعلام جرم کرد

واکنش‌ها به توهین مجری و عوامل برنامه خطخطی و این نحوه برخورد با کشته‌شدگان اعتراضات ادامه دارد. عجیب‌تر اینکه «محمدحسین محبی»، مجری برنامه خطخطی، با لحنی طلبکار یک ویدئو منتشر کرد که معتقد بود این قسمت فقط جوابی به اپوزیسیون خارج از کشور است و آنها با تقطیع و تکه‌برداری بخش‌کردن و با سوگیری‌های دلبخواه خودشان سعی کردند احساسات مردم ایران را جریحه‌دار کنند. او در این ویدئو گفت که در واقع این اتفاق واکنش خارج از کشوری‌ها به این برنامه است. درحالی‌که می‌توانست عمیقاً اظهار تأسف و از خانواده‌های داغدار عذرخواهی کند. دادستانی تهران در پی بخش برنامه‌ای توهین‌آمیز از شبکه افق علیه مدیر وقت این شبکه، عوامل و مجری برنامه اعلام جرم کرد. به نقل از قوه قضائیه، در پی بخش برنامه‌ای توهین‌آمیز از شبکه افق، دادستانی تهران علیه مدیر وقت شبکه افق، عوامل و مجری برنامه اعلام جرم کرد و در این خصوص پرونده قضائی تشکیل شده و متهمان احضار شدند و مورد تعقیب قضائی قرار گرفتند. همچنین تحقیق و کنکاش در باب اغراض احتمالی که ممکن است پشت پرده تولید و پخش این برنامه توهین‌آمیز باشد، در دستور کار مقام قضائی ذی‌ربط قرار دارد.

سریع‌خوانی

مرض خبرخوانی

آیدین سیار سریع

مرض خبرخوانی هم از آن مرض‌هایی است که در مواقع بحران به جان آدم می‌افتد. درست مثل مواقع غیربحرانی که در اینستاگرام وارد بخش ریلز می‌شویم و به خودمان که می‌آییم، می‌بینیم سه ساعت داشتیم رنج اسکرول بر انگشت شست هموار می‌کردیم و در نهایت هم جز سه، چهار کیلو دوپامین ترشح‌شده و درد مفاصل انگشت چیزی عایدمان نشده است. راه دور نرویم. همین خود بنده چند شب پیش افتاده بودم روی خبرهای ایستین و به چنان تسلطی روی آن سه میلیون صفحه رسیده بودم که می‌توانستم دقیق به شما بگویم کی، چه ساعتی و چه روزی وارد جزیره شده و چه ساعتی خارج شده؛ یعنی چنان احاطه پیدا کرده بودم به موضوع که کم ماند به بود زبنم FBI که آقا حواس‌تان به فلان موضوع هم باشد، یک وقت فلان «پ...ز» قسر درنرود. این وضعیت مبهم جنگی هم به این مرض ما دامن زده. از آن موقعی که هیچ‌کس از تصمیمات نظامی آمریکا خبر نداشت و ناو آبراهام لینکلن خودش هم دوبه‌شک بود که در مبدأ بنزین بزنم یا بین راه سوخت بگیرم، ما در ۲۰ کانال خبری عضو شده بودیم؛ خبرهای فوری/ خبرهای فوری مهم/ خبرهای جنگی خیلی خیلی مهم/ نظامی‌نیوز/ Fox/CBC/NBC/MDF/وال‌استریت ژورنال/ واشنگتن پست/ نیویورک تایمز/ اکسیوس/ الجزیره/ گروه واتساپ خانوادگی فرمانده ستکام (که اکسپت نکردند متأسفانه)... همه جا را دقیق بررسی می‌کنیم تا در حالی که عالی‌ترین مقامات کشورها هم خودشان دقیق نمی‌دانند جنگ می‌شود یا نمی‌شود، ما بفهمیم که در روزهای آینده چه اتفاقی می‌افتد. در همین زمینه ما یک ریفیقی داریم که آن‌قدر غرق در این اخبار شده که الان دقیقاً مطلع است که چند تا F35 و F18 آمده، چه رادارهایی در ناو موجودند، از روی فلایت رادار هم ۴۴ ساعته تعقیب می‌کند اینها را. بعد که بهش می‌گوییم خب، آفرین، حالا اینها به چه دردت می‌خورد؟ اصولاً جز اینکه یک تپ‌ماهی به کوله زندگی‌ات اضافه‌کنی، چه کاری از دستت برمی‌آید؟ با نگاهی عاقل‌اندر سقیه می‌گوید «شما پرتیت دا ماجرا، آدم باید همیشه آماده باشد». البته در اینکه آدم به صورت کلی باید در جریان باشد، شکی نیست ولی ریزشدرن در جزئیات هم (وقتی هم که شغلت تحلیل نیست) جز استرس و سردرگمی و بی‌خوابی، نتیجه‌ای ندارد. باید شک کرد به هر خبر، رسانه همیشه هم کارکردش پارتاپ واقعیت نیست؛ در اصالت هر احساسی اعم از ناامیدی، ترس، امیدواری، اضطراب و... که از رسانه به دست می‌آوردی، شک کنیـد. درک درستی از میزان اثرگذاری خود به دست آوردی و انتظارات از خودتان و اطرافاتان را بالانس کنیـد. سلامت روح و روان خودمان و به‌ویژه بچه‌ها را در اولویت بگذارید. به توصیه‌های من عمل کنیـد تا من هم بروم باقی اسناد ایستین را بخوانم و از آخرین تحولات منطقه باخبر شوم (رطب‌خورده منع رطب کی کنی؟)...

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

آکادمی